تاریخ انقلاب

یک خاکریز فرهنگی به نام «جمعیت پیروان قرآن»

در مبارزه با رژیم‌های دیکتاتور، دست‌نشانده و استعماری در تاریخ ایران، گاه نقش سازمان‌هایی که به نوعی با نهاد تعلیم و تربیت مرتبط بوده‌اند، نادیده گرفته می‌شود؛ حال آن که در برخی موارد، اثرگذاری این سازمان‌ها و خروجی راهبردهای آن‌ها، بسیار بیشتر از تأثیر یک حزب سیاسی بوده است؛ به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، یکی از مراکز با به عبارت دیگر مدارسی که منبعث از فرهنگ دینی بود و در دهه ۱۳۲۰ در تاریخ ایران به ایفای نقش پرداخت، «جامعه تعلیمات اسلامی» بود. جامعه تعلیمات اسلامی، محصول یک ایده در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ بود؛ اهمیت تأسیس این مدرسه دینی، با توجه به شرایط خاص اشغال ایران توسط متفقین، دوچندان می‌شود.

عباسعلی قرائتی سبزواری، معروف به حاج شیخ عباسعلی اسلامی، بنیان‌گذار این مدرسه، اصالتاً اهل سبزوار بود. وی که دوران تحصیلات علوم دینی را در عتبات گذراند، در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰، بار دیگر به ایران مراجعت کرد و ابتدا «جمعیت پیروان قرآن» را تشکیل داد که خود مقدمه‌ای برای شکل‌گیری جامعه تعلیمات اسلامی بود. حضور در کشورهایی مانند عراق، هندوستان و حتی برمه، سبب شد تا حاج اسلامی، پیش از مراجعت به ایران، تصویری دقیق از نقش استعمار در عقب‌ماندگی کشورها داشته باشد. وی در بازگشت به ایران، دست بر حلقه مفقوده‌ای نهاده بود که دقیقاً می‌توانست مقابل نظام زیاده‌خواه داخلی و استعمار بیرونی بایستد: «نظام آموزشی». شکل‌گیری یک مرکز تعلیمات اسلامی و مدرسه دینی در گستره‌ای وسیع، نیازمند حمایت مالی بود و همچون دیگر رخدادهای مشابه در تاریخ معاصر ایران، این بار نیز بازاریان متمول در کنار یک روحانی قرار گرفتند و زمینه شکل‌گیری مدارس عباسعلی اسلامی را فراهم کردند. هسته و مرکز نخستین جامعه تعلیمات اسلامی تهران بود، اما مدارس متعددی با الگوبرداری از نمونه تهران، در دیگر شهرهای ایران نیز شکل گرفت و همین مسئله، جامعه تعلیمات اسلامی را به بزرگ‌ترین مدرسه غیردولتی، با رویکرد آموزش مذهبی در دوره پهلوی دوم تبدیل کرد. نخستین مدرسه پسرانه جامعه تعلیمات اسلامی، در سال ۱۳۲۲ فعالیت خود را آغاز کرد؛ هرچند تاریخ تأسیس رسمی این مدارس را سال ۱۳۲۸ ذکر می‌کنند. تعلیم و تربیت اطفال و دیگر افراد به‌وسیله تأسیس کودکستان‌ها و دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، تبلیغ به وسیله تشکیل مجالس وعظ، تهیه و چاپ کتاب‌ها و رسایل و نشریات دینی و تأسیس پرورشگاه‌ها برای یتیمان و بیمارستان‌ها برای درمان عمومی و انجام دیگر امور خیریه، به شیوه نوین و با رعایت موازین شرعی، مهم‌ترین کارکردهایی بود که برای جامعه تعلیمات اسلامی تعریف شده بود. در سال‌های بعد، ساواک همواره به فعالیت محصلان و دانش‌آموختگان جامعه تعلیمات اسلامی حساسیت نشان می‌داد و بسیاری از آن‌ها را تحت کنترل اطلاعاتی و امنیتی خود داشت.

■ **تقابل با رویکرد آموزشی رژیم پهلوی**

مهم‌ترین نکته‌ای که باید درباره جامعه تعلیمات اسلامی ذکر شود، این است که این مدرسه، به شکل مردمی و خصوصی اداره می‌شد و با رویکرد آموزشی و تربیتی مدارس دولتی که زیر نظر نظام آموزشی رژیم پهلوی قرار داشت، متفاوت بود و همین موضوع، بعضاً مشکلاتی را برای مدرسه ایجاد می‌کرد. رویکرد مذهبی و آموزش دینی جامعه تعلیمات اسلامی، آموزش سکولار پهلوی دوم را آماج حمله غیرمستقیم خود قرار داده بود و این مسئله‌ای بود که هیچ‌گاه از چشم ناظران امنیتی رژیم پنهان نمی‌ماند و به صورت محسوس و نامحسوس، فعالیت‌های این مدرسه همواره زیر نظر قرار داشت. جامعه تعلیمات اسلامی بسیاری از شعائر و آیین‌های رایج در مدارس دولتی را اجرا نمی‌کرد و همین مسئله حساسیت رژیم را به این مدارس دوچندان کرده بود؛ برای مثال، آن‌چنان که عباسعلی اسلامی بیان می‌کند «در این مدارس به جای سرود صبحگاهی، مراسم دعا به امام زمان (عج) برگزار می‌شد؛ اما رژیم به آن‌ها دستور می‌دهد که باید تابع وزارت فرهنگ بوده و طبق دستور آن وزارتخانه رفتار کنند؛ حتی برنامه فقه را نیز حذف و مانع از انجام مراسم دعا به امام زمان گردیدند.» تقابل رویکرد مذهبی با رویکرد سکولار رژیم پهلوی در مقوله آموزش، در نهایت سبب شد رژیم با تصویب قانون اجبار در آموزش رایگان، به نوعی در مقابل فعالیت این دست مدارس صف‌بندی کند.

بچه‌مشهدی‌ها، مدیون خدمات «کلنل پسیان»

کاردانی یک افسر ۳۰ ساله، چگونه به تأسیس نخستین مدارس دولتی در خراسان انجامید؟

جواد نوائیان رودسری – نام کلنل محمدتقی‌خان پسیان، همواره با احترام بر زبان مردم مشهد جاری می‌شود. پسیان از فروردین تا مهرماه سال ۱۳۰۰، حاکم ایالت خراسان بود؛ در دوره‌ای که حکومت ایران در پی کودتای سیاه، در اختیار سیدضیاءالدین طباطبایی یزدی قرار گرفت و او با استفاده از این فرصت، به سرکوب رقبایش پرداخت؛ رقبایی که یکی از آن‌ها، احمد قوام‌السلطنه، سیاستمدار کارکشته دوره قاجار و پهلوی بود. قوام در زمان وقوع کودتا، حکومت خراسان را در دست داشت و کلنل پسیان، به عنوان فرمانده ژاندارمری، به خدمت در این ایالت مشغول بود. او از زمان پذیرفتن این مسئولیت، به طور مداوم با قوام درگیری داشت. کلنل دریافته بود که قوام و اطرافیان او، از قدرت خود سوءاستفاده می‌کنند و اشراف شهر، با حمایت والی، هر آن‌چه را که مایلند، انجام می‌دهند و از زیر بار مالیات‌های تعیین شده، شانه خالی می‌کنند؛ با این حال، از دست کلنل کاری ساخته نبود؛ قوام با اقتدار و البته سیاستی که داشت، دم بسیاری از خان‌های خراسان را دیده بود و آن‌ها، برای حفظ موقعیت‌شان، همکاری همه‌جانبه‌ای با او داشتند. فرخ‌خان معتصم‌السلطنه، دوست کلنل که البته باید در برخی ادعاهای او تردید کرد، درباره قوام ادعا کرده است که او، اطلاعات مورد نیاز انگلیسی‌ها را از خاک روسیه و از طریق دوستانش، به دست می‌آورد و به کنسولگری بریتانیا در مشهد می‌فروخت. همه این عوامل، باعث شده بود که کلنل پسیان، دل خوشی از قوام‌السلطنه نداشته باشد و به همین دلیل، وقتی حکم بازداشت وی از تهران به مشهد واصل شد، در دستگیری قوام تردیدی به خود راه نداد و اورا روانه تهران کرد. سیدضیاء برای آرام کردن اوضاع مشهد، به حکومت موقتی کلنل بر این شهر رضایت داد و به این ترتیب، خراسان از ۱۳ فروردین ۱۳۰۰، تحت حاکمیت محمدتقی‌خان پسیان درآمد.

■ **آغاز اصلاحات**

با آغاز زمامداری کلنل در خراسان، اصلاح امور نیز به سرعت آغاز شد. پسیان افسری وطن‌دوست و شجاع بود و در مسیری که برای اصلاح برگزید، ابداً نرمش نشان نمی‌داد. خزانه خالی و کسری بودجه، نخستین معضلی بود که وی با آن دست به گریبان شد. او این مشکل را با استفاده از خدمات یک مستشار کارکشته فرانسوی به نام «موسیو دوبوا»، تاحدودی برطرف کرد. کلنل با گزارش‌های مالی جدید دریافت که بار مالیاتی ایالت، تنها بر دوش قشرهای ضعیف بوده و ثروتمندان و اشراف، مدت‌هاست که به خزانه، مالیاتی پرداخت نکرده‌اند و اصولاً خود را ملزم به پرداخت چنین وجهی نمی‌دانند. اوضاع مالی آستان قدس رضوی از این هم آشفته‌تر بود؛ طبق گزارش معتصم‌السلطنه، بدهی آستان قدس به قدری بالا رفته بود که ناچار به برخی از طلبکاران نزول می‌پرداخت! کلنل برای وصول مطالبات دولتی، به زور متوسل شد و اموال اشراف را مصادره کرد؛ این اقدام همان‌قدر که برای مردم خوشایند بود، خشم اشراف و خان‌ها را برمی‌انگیخت و آن‌ها را در ردیف دشمنان کلنل قرار می‌داد. پسیان توانست اوضاع مالی ایالت را سامان دهد و به وضعیت اقتصادی آستان قدس رضوی سروصورتی بخشد و پس از آن، اقدامات اصلاح‌گرانه خود را در عرصه‌های دیگر آغاز کند.

■ **سروسامان دادن به وضعیت ژاندارمری**

نخستین اقدام اصلاحی پسیان در عرصه غیراقتصادی، سازمان‌دهی دوباره ژاندارمری خراسان بود. پیش از کلنل، فرماندهی ژاندارمری خراسان را محمدحسین میرزا جهانبانی برعهده داشت؛ داماد برادر قوام‌السلطنه یعنی وثوق‌الدوله. در زمان او، شرایط ژاندارمری رو به قهقرا بود و اشرار عملاً هر چه می‌خواستند انجام می‌دادند. کوه‌های شمال و جنوب خراسان، محل ترکتازی افراد شروری مانند «خدوسردار» و «سالارخان بلوچ» بود و تجارت در این خطه، با این حجم ناامنی، عملاً مجالی برای رشد و ترقی پیدا نمی‌کرد. پسیان تعداد نیروهای ژاندارمری را از حدود ۲۵۰ نفر، به چهار هزار نفر رساند. این رقم را می‌توان به دو هزار و ۵۰۰ نیروی قزاقی که رضاخان برای فتح تهران در اختیار داشت، مقایسه کرد. ژاندارم‌ها حقوق منظم می‌گرفتند و در شهرهای بزرگ خراسان مانند نیشابور و سبزوار، پادگان‌های قدرتمندی ایجاد شد. نیروی ژاندارمری بر نظم عمومی شهرها هم نظارت داشت و همین موضوع، در کنار سیاست‌های مالی، زمینه‌ساز افت قیمت‌ها در خراسان و به‌ویژه مشهد شد.

■ **اقدامات عام‌المنفعه در مشهد**

ساخت مراکز عام‌المنفعه، یکی دیگر از اقدامات اصلاحی پسیان بود که متأسفانه با کشته شدن ناجوانمردانه وی در جعفرآباد قوچان، در مهرماه ۱۳۰۰، بسیاری از آن‌ها ناتمام ماند. او با اصلاح امور مالی آستان قدس، صندوق خیریه‌ای ایجاد کرد تا به نیازمند مشهدی، خدمات ارائه کند. سنگ بنای نخستین سیلوی خراسان درست در همین زمان گذاشته شد و حتی، در آن وانفسا، امور فرهنگی خاصی مانند اهتمام به ساخت و ساز آرامگاه فردوسی، مورد توجه قرار گرفت. برای این منظور، برنامه هنری برگزار شد و عواید آن به بازسازی آرامگاه فردوسی اختصاص یافت.

■ **ساخت مدارس جدید با هزینه دولت**

ساخت مدارس جدید در مشهد به سال ۱۲۷۴ هـ.ش و دوره ناصرالدین‌شاه قاجار باز می‌گردد. با پیروزی انقلاب مشروطیت، تعداد مدارس جدید در مشهد افزایش یافت و مدارسی مانند «مظفریه» و «ادب»، زیر نظر اداره معارف آن زمان و رئیسش، حسن‌خان صبا، شکل گرفت. حاج عبدالرحیم صراف، از تجار مشهد، مدرسه «رحیمیه» را بنیان نهاد. مدتی بعد، در سال ۱۲۹۶، نخستین مدرسه دخترانه مشهد نیز، توسط بانو فروغ آذرخشی، ساخته شد. با این حال، این مدارس رایگان نبودند و از بودجه دولتی استفاده نمی‌کردند. والدین باید شهریه می‌پرداختند و به این ترتیب، کمتر دانش‌آموز فقیری می‌توانست از موهبت تحصیل در این مدارس بهره ببرد. موضوع احداث مدارس جدیدی که از بودجه عمومی استفاده کند و همه بچه‌های مشهدی را تحت پوشش قرار دهد، توسط کلنل محمدتقی‌خان پسیان مورد توجه قرار گرفت و با همت او، سنگ بنای نخستین مدارس به اصطلاح دولتی، در شهر مشهد و البته خراسان، گذاشته شد. گزافه نیست اگر مشهد را در میان شهرهای ایران، از نخستین مکان‌هایی بدانیم که در آن، آموزش عمومی رایگان، رواج یافت.

کلنل پسیان در لباس خلبانی به عنوان نخستین خلبان ایرانی

بزرگ‌ترین قحطی تاریخ بشر از حیث تلفات، چگونه ایجاد شد؟

۵۵ میلیون قربانی با گنجشک‌کُشان مائو!

تاریخ جهان

باید موش‌ها و مگس‌ها و پشه‌ها و گنجشک‌ها را کشت! این از ابتکارات مائو در دوران «جهش بزرگ به جلو» بود. به گزارش تاریخ ایرانی، هدف اصلی این بود که محصولات کشاورزی بیشتر شود و برای این منظور کارزارهایی برای موش‌کشی و پشه‌کشی، مگس‌کشی و گنجشک‌کشی به راه انداخت. اما در این میان، بیش از همه «کارزار گنجشک‌کشی» سروصدا کرد و توده‌ها را سر کار گذاشت.

■ **طرح بلندپروازانه و قحطی بزرگ**

نخست باید به وضعیت کلی جمهوری خلق چین در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ نگاهی بیندازیم. پس از برنامه پنج ساله، مائو برنامه جدیدی به نام «جهش بزرگ به جلو» را اعلام کرد. اهدافی بسیار بلندپروازانه و متوهمانه در این برنامه پنج ساله جدید تعریف شده بود. مائو می‌خواست با این برنامه سه تمایز را از میان بردارد: تمایز میان شهر و روستا، میان سر و دست (یعنی کار فکری و کار فیزیکی) و تمایز میان صنعت و زراعت. حتی قرار بود با این برنامه، فاصله چین با کشورهای صنعتی غربی نیز از میان برود!

تنها یک سال از شروع این برنامه مائو نگذشته بود که در سال ۱۹۵۹ قحطی بی‌سابقه‌ای در چین آغاز شد. این قحطی در اصل نتیجه سوءمدیریت بود. جمعی‌سازی اجباری کشاورزی، به کارگیری دهقانان در پروژه‌های عمرانی و مهاجرت روستاییان به شهرها، باعث شده بود تولید زراعی کاهش یابد و قحطی مهیبی گریبان مردم چین را بگیرد. اعداد و ارقامی که از میزان قربانیان قحطی اعلام می‌شود، متفاوت است؛ از ۱۵ میلیون تا ۵۵ میلیون نفر در اثر قحطی، از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۱ جان باختند و این بزرگ‌ترین قحطی تاریخ بشر از حیث تعداد قربانیان است. عدد ۱۵ میلیون قربانی رقمی است که از سوی دولت چین اعلام شده است و پژوهشگران مستقل، شمار قربانیان را چنان که اشاره شد، حتی تا ۵۵ میلیون تخمین می‌زنند. به این ترتیب، آن برنامه پنج ساله «جهش بزرگ به جلو» نیز وقتی در سال ۱۹۶۱، شکست مفتضحانه‌اش مسجل شد، متوقف شد!

■ **کشتن ۲ میلیارد پرنده؛ ابتکار انقلابی مائو!**

در این شرایط بود که مائو در سال ۱۹۵۸ برای بهبود تولیدات کشاورزی، ابتکارهای انقلابی موش‌کشی، پشه‌ومگس‌کشی و گنجشک‌کشی را به مردم خوراند. در این زمان، مردم چین به گونه نظامی سازمان‌دهی شده بودند و امکان بسیج‌سازی توده مردم وجود داشت. در این طرح آفت‌کُشی همه چینی‌های پنج سال به بالا حضور داشتند. به همین دلیل هم بیش از همه در خاطره‌ها مانده است. تصویری که «یوچی‌ین کوئان» نویسنده آلمانیِ چینی‌تبار از آن دوران ترسیم می‌کند، در چند سطر چیزهای زیادی را به ما می‌فهماند. «کوئان» در دهه ۱۹۶۰ در جریان انقلاب فرهنگی از چین گریخت و به آلمان رفت. او در زندگی‌نامه‌اش درباره «گنجشک‌کشان» می‌نویسد: «روزی را به یاد می‌آورم که همه مردم هیچ کاری نداشتند جز این که با قابلمه و سنج و با هر چیز ممکن دیگری که بتوان با آن سروصدا ایجاد کرد، به خیابان‌ها آمدند، در میدان‌ها این سو و آن سو می‌دویدند تا گنجشک‌ها را بترسانند. تمام روز آن‌قدر سروصدا کردند که پرنده‌ها هیچ جا نمی‌توانستند بنشینند و در نهایت [از خستگی] می‌مردند و بر زمین می‌افتادند. در آن روز میلیون‌ها پرنده کشته شد و همه ما به این کار افتخار می‌کردیم ... تازه بعدها فهمیدیم پرنده‌هایی که در شهرها زندگی می‌کردند همیشه در شهر می‌ماندند و نمی‌توانستند به کشتزارها آسیبی بزنند. نتیجه برعکس شد: چون علاوه بر گنجشکانِ غله‌خوار، سایر پرندگان هم مرده بودند و در پی آن حشرات بلای جانمان شدند.» به این ترتیب چینی‌ها در کوتاه‌مدت بیش از دو میلیارد پرنده را کشتند و خیلی زود به دلیل نبود گنجشک‌ها که حشرات را می‌خوردند، دچار بلای حشرات و کمی بعد مجبور شدند از اتحاد شوروی گنجشک وارد کنند! بعد از مرگ مائو این حقیقت اعلام شد که کشتار گنجشک‌ها نادرست و زیان‌بار بوده است. اما اذعان به سیاست‌های اشتباه، نمی‌تواند چند میلیون کشته را زنده کند.

نکته تاریخی

ایرانیان؛ سازندگان نخستین لوله‌کشی آب آشامیدنی شهری

مطابق یافته‌های تاریخی، نخستین بار ایرانیان به این فکر افتادند که آب آشامیدنی را در شهرها، به روشی غیر از روش مرسوم، به درخانه‌ها برسانند. انجام این کار، البته به دانش پایه مکانیک سیالات و دیگر دانسته‌های فنی پیشرفته نیازمند بود و همین موضوع بر اهمیت و شگفتی اقدام نیاکان ما، بسی می‌افزاید. در ایران عصر ساسانی، موضوع لوله‌کشی آب آشامیدنی در برخی از شهرها، به صورت جدی اجرایی شد؛ مهندسان ایرانی، حفره‌هایی را برای انتقال آب در دل سنگ‌ها ایجاد و سپس، مسیر انتقال آب را با ساروج محکم می‌کردند. مسیر انتقال، معمولاً کف‌پوشی محکم داشت که در برابر ساییدگی توسط آب، مقاوم بود؛ این کف‌پوش، پس از احداث، با روکشی بسیار مستحکم پوشانده می‌شد تا از آسیب عوامل طبیعی و جانوران در امان بماند. در مبادی ورودی شهر، آب به لوله‌های سفالی منتقل می‌شد که هم ارزان بود و هم به راحتی قابلیت تعویض داشت. این لوله‌ها، آب را تا میدان شهر و برخی نقاط پرجمعیت می‌رساند و در مسیر عبور از محلات، شعبه‌ای از آن به داخل منازل کشیده می‌شد که در هنگام نیاز، راه آن را باز می‌کردند و به قدر نیاز از آب بهره می‌بردند. طی مسیر انتقال، کوزه‌هایی برای ته‌نشین شدن لای احتمالی، تعبیه شده بود که گاه به گاه توسط میراب‌ها، وارسی می‌شد. احتمالاً مسئولیت استفاده درست از آب آشامیدنی شهری هم برعهده میراب‌ها و ناظرانی بود که توسط حکومت تعیین می‌شدند؛ هر چند در فرهنگ عمومی ایران باستان، آب از قداستی ویژه برخوردار و اسراف در مصرف آن، به شدت مورد نکوهش بود؛ به همین دلیل، کمتر پیش می‌آمد که شهروند ایرانی، به دلیل افراط در مصرف آب شهری، مؤاخذه شود.

تاریخ معاصر

قاتل پسر سردار مریم بختیاری کیست؟

یکی از وقایع تلخ دوران سلطنت رضاخان، بازداشت و اعدام «علیمردان‌خان» از عشایر دلاور و سلحشور بختیاری است. مادر علیمردان‌خان، بی‌بی مریم بختیاری، زنی شجاع و جنگاور بود. علیمردان‌خان برای مقابله با نقشه‌های استعمار و جلوگیری از تجزیه کشور، با متحد کردن تعدادی از ایلات بختیاری، «هیئت اتحادیه چهارمحال و پشتکوه» را تأسیس کرد. با قدرت یافتن رضاخان و تصاحب سلطنت توسط او، علیمردان‌خان بختیاری یکی از نخستین کسانی بود که در برابر خودکامگی پهلوی اول قیام کرد. او که می‌دید چگونه وابستگی برخی خان‌های ظالم بختیاری به دیکتاتوری، خانواده‌های محروم و مستضعف عشایر غیور ایران را به خاک سیاه نشانده است، تصمیم به مبارزه با ظلم و ستم گرفت. قیام او، از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ هـ.ش، به مدت پنج سال ادامه یافت. رضاخان که از مهار علیمردان‌خان عاجز شده بود، تعدادی از خان‌های بختیاری را با وعده ثروت و قدرت فریفت و آن‌ها را به خیانت به علیمردان‌خان واداشت. علیمردان‌خان و یارانش، خسته از خیانت دوستان، به قلعه «قهفرخ»، در نزدیکی شهرکرد، عقب‌نشینی کردند و این قلعه به محاصره نیروهای دولتی درآمد. با وجود مقاومت دلیرانه او، باز هم خیانت برخی از خان‌های وابسته، شرایط را بر وی سخت‌تر کرد. رضاخان شخصاً نامه‌ای برای علیمردان‌خان فرستاد و وعده داد در صورت تسلیم، او و یارانش در امان خواهند بود. علیمردان‌خان که دیگر توان مقابله نداشت، با یاران خود تسلیم نیروهای دولتی شد. اما رضاخان، برخلاف وعده‌ای که داده بود، دستور داد او را در اسفندماه سال ۱۳۱۳، اعدام کنند. داستان رشادت‌های «علیمردان‌خان»، به زمزمه شعرزیبای «شیر علیمردون» در میان عشایر بختیاری تبدیل شده است.

خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی:
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی:
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۹۸/۱۲۳ (دو مرحله ای)
خرید انواع لامپ گازی، چوک، ایگنیتور و لامپ LED
(نوبت دوم)
شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی
این شرکت در نظر دارد نسبت به خرید انواع لامپ گازی، چوک، ایگنیتور، و لامپ LED از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از تمامی تولید و تامین کنندگان دارای صلاحیت دعوت میشود جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه به شرح درج شده در سایت شرکت به آدرس اینترنتی www.kedc.ir و یا سایت توانیر به آدرس اینترنتی www.tavanir.org.ir مراجعه فرمایند.
www.kedc.ir
روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی